

روزنامه شرق

پنجشنبه • ۲۶ اسفند ۱۳۹۵ • سال چهاردهم • شماره ۲۸۲۸ • ۹

نشست – دو

حسن نمکدوست‌تهرانی:

کسی پیگیر قانون دسترسی آزاد به اطلاعات نیست

«هیچ‌کس پیگیر قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات نیست و آن را مطالعه نمی‌کند، اما اگر یک اندیشمندی درباره فضای عمومی چیزی بگوید، ساعت‌ها بحث و صحبت می‌کنند. قانون دسترسی به اطلاعات، یک قانون پایه است و تمام سطوح جامعه را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، اما کسی درباره آن صحبت نمی‌کند». به گزارش شفقنا رسانه، نشست بررسی موانع و الزامات قانون «انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» در حضور حسن نمکدوست‌تهرانی، مدیر مرکز آموزش و پژوهش همشهری؛ هادی خانیکی، رئیس انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات و محمدامین قانع‌راد، عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور و جامعه‌شناس، در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار شد.

نمکدوست در این نشست با توضیح درباره تصویب قانون دسترسی آزاد به اطلاعات گفت: «این قانون به دوران ریاست‌جمهوری خاتمی برمی‌گردد. در آن دوره ما دو مدافع اصلی دانشگاهی داشتیم که موضوع اصلی آن آزادی به اطلاعات و حق دسترسی به اطلاعات بود، یکی دکتر معتمدنژاد که با تمام وجود پیگیر این موضوع بودند و دیگری افراد، استادان دانشگاه حقوق شهیدبهشتی چون دکتر هاشمی، انصاری و امیر ارجمند بودند و مأموریت پیش‌نویس این قانون هم به همین گروه داده شد».

این مدرس روزنامه‌نگاری در ادامه صحبت‌های خود افزود: «این پیش‌نویس براساس استانداردهای معارف دنیا نوشته شد و فرمول آن هم سخت نیست. با توجه به اینکه در سال‌های گذشته موضوع حق دسترسی به اطلاعات وسعت گرفته، نهادهای مدنی در دنیا شکل گرفتند که موضوع فعالیت این نهادها پرداختن به آزادی اطلاعات است، یکی از معروف‌ترین آنها، نهادی است به نام نهاد ماده ۱۹. اینها به‌خاطر اینکه کار دیگران را ساده کرده، یک قانون کلی را نوشته‌اند و سایت خود قرار دادند تا هرکسی می‌خواهد این قانون را بنویسد، فقط جاهای خالی آن را پر کند. این کار با یک‌سری تغییراتی تحویل دولت داده شد، ولی در قالب یک قانون دست‌وپاشکسته و ضربه‌خورده به تصویب رسید».

او ادامه داد: «این قانون فارغ از اینکه خوب یا بد است، به‌عنوان قانون اول در کشور، قانون خوبی است هرچند این قانون باید داخل جامعه برود و پخته شود، اما نسخه اول آن نگران‌کننده نیست».

نمکدوست با گلایه از بی‌توجهی جامعه دانشگاهی به این قانون توضیح داد: «دو سال گذشته که موضوع این قانون پیش آمده است، واقعاً جامعه دانشگاهی و فرهیختگان ما نشان دادند چیزی از دموکراسی نمی‌دانند. اگر می‌دانستند به این قانون می‌پرداختند، ما فقط در عالم کتاب درباره دموکراسی صحبت می‌کنیم، بالاخره ما یک قانون ضعیف یا متوسط نوشته شده است که به شهروندان حق می‌دهد به نهادهای عمومی و خصوصی رجوع کنند و اطلاعات بگیرند، اما هیچ‌کس پیگیر این قانون نیست و آن را مطالعه نمی‌کند، اما اگر یک اندیشمندی درباره فضای عمومی چیزی بگوید، ساعت‌ها بحث و صحبت می‌کنند. قانون دسترسی به اطلاعات، یک قانون پایه است و تمام سطوح جامعه را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، اما کسی درباره آن صحبت نمی‌کند». او بی‌توجهی مردم را به‌عنوان یکی از موانع‌های این قانون دانست و بیان کرد: «در یکی از ماده‌های این قانون به این پرداخته شده که اطلاعات مربوط به محیط‌زیست و سلامت عمومی تابع هیچ استثنایی نیست. فقط به همین ماده اگر توجه کنید، چقدر می‌تواند جالب و راهگشا باشد، اما کسی توجه نمی‌کند. بخش مهمی از تحقق این قانون از سوی شهروندان باید رخ دهد، اما متأسفانه از طرف روزنامه‌ها و دانشگاهیان حرکت جدی‌ای صورت نمی‌گیرد. حال اگر مهم‌ترین مانع قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات را بخواهیم نام ببریم از نظر من، بی‌توجهی مطلق به این قانون در جامعه است که مسئول آن دولت نیست، البته اگر از نگاه کلاسیک هم بنظریم، این قانون چالش‌های مهمی دارد». نمکدوست به مشارکت همه شهروندان اشاره کرد و گفت: «یکی از این چالش‌ها، فرهنگ حاکم بر دستگاه‌های حاکمیتی است. اینها دوست ندارند اطلاعات را در اختیار مردم قرار دهند. وقتی سراغ مسئولی می‌رویم، او با دراختیارداشتن اطلاعات و محروم‌ماندن شما، احساس قدرت می‌کند، ما در زندگی معمول خود با این موضوع مواجه شدیم‌ایم، فرهنگ کشودکی و ترویج آن یکی از چالش‌های مهم آزادی اطلاعات است، اما چرا ما به‌عنوان آدم‌هایی که درگیر مسائل جدی هستیم، به این قانون توجه نمی‌کنیم؟ پیشنهاد من این است که همدی کسی کنید تا این قانون تحقق پیدا کند و نهایتاً به ضعف و قوت‌های آن اشاره کنیم، بلکه به سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها مراجعه و درخواست اطلاعات کنیم». این مدرس روزنامه‌نگاری افزود: «یکی از نصیحت‌های من همیشه این است که هرگاه برای کار خبری نزد یک مسئول رفتید، حتماً به دفتر مدیر هم سری بزنید و درخواست اطلاعات کنید. باید تلاش کنیم تا این قانون اجرایی شود نه اینکه در وسط جلسه‌ای از مدیر یا فلان وزیر، اطلاعاتی را بخواهیم و حرف از قانون انتشار و دسترسی به اطلاعات بزنیم، بلکه باید از طریق روال اداری آن وارد شویم و درخواست اطلاعات بدهیم. اگر جواب ندادند، شکایت و اعتراض کنیم. بگذارید مدیران و کارکنان بدانند شهروندان هم اطلاعات می‌خواهند. آنها ملزم هستند اطلاعات بدهند. تنها تأکید من این است که شما خبرنگاران سواى کار خبری اطلاعات بگیرید، اگر اطلاعات را تکثیریم این قانون بی‌سرانجام خواهد ماند».

حسن نمکدوست گفت: «وقتی حرف از دسترسی آزاد به اطلاعات می‌شود، یک موضوع مشخصی را توضیح می‌دهیم که با آزادی مطبوعات و اجتماعات متفاوت است. درواقع آزادی اطلاعات یعنی شهروندان به اطلاعات داخل حکومت‌ها و کنش‌های دولتی دسترسی داشته باشند، ولی آزادی بیان و آزادی مطبوعات مربوط به چیزهای دیگر است. با توجه به تعریف اطلاعات و مؤسسات در نظر این قانون، هر شهروند ایرانی حق دسترسی به اسناد در مؤسسات خصوصی و عمومی و مؤسسات خصوصی ارائه‌دهنده خدمات عمومی را دارد».

او افزود: «نباید انتظار داشته باشیم همه کارهای دموکراسی‌شدن را دولت انجام دهد. ما هم به‌عنوان شهروند باید تکاپو کنیم. هرچند مطمئناً اگر به مؤسسات برای درخواست اطلاعات مراجعه کنیم، فکر می‌کنند از مریخ آمده‌اید، ولی باید دست‌به‌کار شویم».

نشست – یک

کمبود آشنایی با قانون دسترسی به اطلاعات

«ما پدیده‌ای به نام رسانه‌هراسی در ایران و جوامعی نظیر ایران داریم؛ به این معنی که انتشار اطلاعات در رسانه‌ها بیشتر فهم ما را به سمت تهدید می‌برد». به گزارش ایسنا، هادی خانیکی، عضو هیئت علمی ارتباطات دانشگاه علامه‌مطباطایی، در نشست بررسی موانع و الزامات قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات گفت: «مانع دیگر ما عامل فرهنگی است؛ به این معنی که فرهنگ مواجهه با اطلاعات و مهارت مواجهه با اطلاعات را باید داشته باشیم. اساساً اطلاعات پدیده‌ای کشف‌شدنی است و اطلاعات ابزار و اساس منزلت و حتی ثروت است. کسی که صاحب اطلاعات بیشتری باشد، منزلت بالاتری دارد. زمانی که فناوری‌های می‌خواهند وارد دستگاه‌های اداری شوند، کسانی که اطلاعات دارند در این راستا مقاومت می‌کنند، زیرا منزلت و ثروت خود را از دست می‌دهند». خانیکی با اشاره به ضعف قانون دسترسی آزاد به اطلاعات، یادآور شد: «اولین مسئله این است که آشنایی شهروندان، روزنامه‌نگاران و استادان ارتباطات با این قانون کم است و در نتیجه مطالباتی هم ندارند. علاوه‌براین، قانون دسترسی آزاد به اطلاعات با واقعیت موجود سیاسی کشور فاصله دارد. سومین ضعف این است که اطلاعات در کشور وجود دارد، اما کسی جرئت و جسارت انتشار این اطلاعات را ندارد. نگاه دستگاه‌های دولتی به اطلاعات محرمانه است، اما به لحاظ قانونی این اطلاعات محرمانه نیستند. ضعف چهارم نیز این است که انتشار اطلاعات پرهزینه است و انتشار اطلاعات به صورت گزینشی و سیاسی صورت می‌گیرد. برای مثال درباره حقوق‌های نجومی و املاک نجومی به این شکل برخورد شد».

خانیکی با اشاره به خالی‌بودن جای قوانین دیگر در کنار قانون دسترسی آزاد به اطلاعات اظهار کرد: «به دلیل اینکه در کنار قانون دسترسی آزاد به اطلاعات، قانون دیگری وجود ندارد، این قانون نیز به صورت تزیینی در آمده است. اگر ما به‌درستی به دنبال اجرای این قانون باشیم، به دنبال فراهم‌کردن الزامات حقوقی، اجتماعی، عمومی و تخصصی آن خواهیم بود تا دانشگاهیان، روزنامه‌نگاران و فعالان مدنی ما بیشتر شوند و به اتکای آنها فرایند انتقال اطلاعات به‌خوبی صورت بگیرد». او ادامه داد: «اگر به‌لحاظ نگارشی رسانه‌ها دانش کم شود و سیاست‌گذاران بدانند که با رسانه‌ای شدن کارهایشان کمکی به آنها خواهد شد، بهتر برخورد خواهند کرد». محمدامین قانع‌راد، جامعه‌شناس، نیز در این نشست گفت: «در کشور ایران ما نیازمند به توسعه ساختار اطلاعاتی و گسترش بانک و پایگاه‌های اطلاعاتی بودیم که درواقع مهندسی سخت‌افزار و نرم‌افزار هستند». قانع‌راد با اشاره به کشورهای دیگر در این راستا گفت: «در کشور آمریکا نیز اطلاعات باید در دسترس مردم قرار بگیرد مگر اینکه این‌ا اطلاعات مخالف امنیت ملی باشند. در کشور انگلستان نیز به دنبال حفاظت اطلاعات دولتی تا صد سال از انتشار اطلاعات جلوگیری می‌شود، اما درواقع میانگینش ۳۰ سال است». او با اشاره به آمراه‌ای اشتباه در کشور گفت: «آمارهای اقتصادی و اجتماعی مانند بی‌کاری در کشور ما عوض شده است که این، یک نوع خودفریبی است.

دولت در ایران جمع‌آوری اطلاعات را به صورت مداوم انجام می‌دهد. برای مثال اطلاعاتی مانند تبلیغات و مؤسسات در نظر این قانون، مدارس، دانشگاه، گزینش و استخدام محل تولید اطلاعات هستند و به طور انبوه اطلاعات در جلسات و مذاکرات دولت، مجلس و قوه قضائیه وجود دارد و دولت نیز به مجموعه وسیعی از اطلاعات دسترسی دارد».



مارتین بارون(وسط) در الحظه گرفتن جایزه پولیتزر معتقد فیلم واشنگتن پست

مصاحبه با سردبیر «واشنگتن پست» و سردبیر سابق «بوستون گلوب» درباره روزنامه‌نگاری تحقیقی

شامه‌ای قوی برای داستانی عمیق‌تر

مهارت‌ها که شما برای این نوع روزنامه‌نگاری به آن فکر می‌کنید، موقتی‌تر هستند و این روزها با اینترنت انجام می‌شوند.

فکر می‌کنم خیلی از این کارها از جمله کارهایی هستند که امروزه به کار برده می‌شوند. یکی از این کارها گزارشگری با استفاده از رایانه است، با وجود اینکه امروزه خیلی چشمگیرتر و بااهمیت‌تر شده است. فکر می‌کنم گزارش‌دادن از خیابان، همین که بیرون بروی و در خانه مردم را بزنی، واقعا مهم است. به نظر می‌آید این کار، این روزها یک مهارت ازبین‌رفته است. فکر می‌کنم که بافتن و توسعه‌دادن منابع خبری هم چیزی است که بدون‌شک مهم است. این چیزی است که فکر می‌کنم گزارشگران نیاز دارند بیشتر از آنچه که روزها جریان دارد انجامش بدهند.

❧ وقتی که شما در حال استخدام کسی برای واحدی مثل تیم «اسپات‌لایت» هستید، در یک روزنامه‌نگار تحقیقی دنبال چه چیزی می‌گردید و در رابطه با این شغل خاص، شما به کسی فکر می‌کنید که بتواند روزنامه‌نگاری تحقیقی انجام بدهد یا اینکه یک نوع خصیصه شخصیتی ویژه را می‌طلبید؟

فکر می‌کنم این کار یک نوع خاصی را می‌طلبد. نوع خاصی از فرد را می‌طلبد که به توضیحات رسمی راضی نشود؛ کسی که شامه‌ای قوی برای داستانی عمیق‌تر داشته باشد، کسی که بخواهد نخ‌ها را دنبال کند و ببیند که چطور از قرقره باز شده‌اند؛ مسلماً کسی که یک روش یا دانشی را درباره اسناد و اینکه داده‌ها کجا هستند آموخته باشد. به‌شدت فکر می‌کنم که باید این ویژگی‌ها را داشته باشد و هر کسی اینها را ندارد ... فکر می‌کنم هر کسی باید یک روزنامه‌نگار تحقیقی باشد، بدون توجه به اینکه حوزه خبری‌تان چیست. ما نباید روزنامه‌نگاری تحقیقی را خیلی محدود و فقط به واحدهای روزنامه‌نگاری تحقیقی مرتبط بدانیم.

❧ وقتی که تیم «اسپات‌لایت» روی یک مطلب کار می‌کرد، آیا یک پروژه محرمانه بود؟ آیا آنها در عمل نمی‌توانستند به خانواده یا به همین ترتیب به کس دیگری بگویند که روی چه چیزی کار می‌کنند؟

بله، آنها کار خود را به محرمانه‌ترین وجه ممکن حفظ می‌کنند. آنها در یک طبقه متفاوت کار می‌کردند. شما از میان راهروهای پارتیشن‌ها می‌رفتید تا به دفتر کار آنها برسید و در دفتر هم اغلب قفل بود و بنابراین آنها زیاد با کسی صحبت نمی‌کردند.

❧ چطور به‌عنوان سردبیر تشخیص می‌دادید که کارکردن روی یک موضوع دیگر بس است؟ چقدر به اندازه کافی زمان برای ادامه‌دادن کار روی یک سؤزه داشتید؟

این سؤال خیلی سختی برای جواب‌دادن در وضعیتی انتزاعی است. در مورد خاص گزارش کلیساهای بوستون، یک صحنه کلیدی در فیلم هست، که واقعی هم هست صحنه‌ای که من نگران این هستم که ما مطلبی داشته باشیم که فقط می‌گوید تعداد زیادی از کشیش‌ها هستند که از تعداد زیادی از کودکان سواستفاده کرده‌اند، اما من این مطلب را به این شکل نمی‌خواستم. چیزی بهتر از آن می‌خواستم، زیادت از آن، چون من نگران بودم که این مطلب خیلی احساساتی باشد.

❧ ما همه می‌دانیم که مدل تجاری روزنامه‌ها با ابداع اینترنت به‌شدت تغییر کرده است، روزنامه‌نگاری تحقیقی کاری بسیار گران و پرهزینه است. در محیط

مارتین بارون پیش از زمانی که اینترنت به طور چشمگیر کسب‌وکار و انتشار روزنامه‌نگاری را تغییر دهد، مسئولیت سردبیری «بوستون گلوب» را برعهده گرفت. سماجت او در تیم اکنون مشهور «اسپات لایت» برای تعقیب عمیق فساد نهادهای در کلیسای کاتولیک و سو-استفاده‌های جنسی این کلیسا که از سوی سراسقف‌نشین بوستون لاپوشانی شده بود، در فیلم برنده اسکار، «اسپات لایت» به کارگردانی لیو شریر به تصویر کشیده شده است. از آن‌موقع، بارون راه خود را تا هدایت «واشنگتن پست» ادامه داد. اما با فیلمی که دوباره علاقه به کار برنده پولیتزر «بوستون گلوب» بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۲ را داغ کرد، احتمالاً بارون اکنون بیشتر برای رهبری‌اش در «بوستون گلوب» در آن دوران معروف است. بارون از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۲ سردبیر «بوستون گلوب» بود و از ابتدای سال ۲۰۱۳ تاکنون سردبیر «واشنگتن پست» است؛ واشنگتن پستی که خود از دهه ۱۹۷۰ به اهمیت‌دادن به روزنامه‌نگاری تحقیقی شهره است. بارون سخنان اصلی یک جلسه پرسش‌وپاسخ در کنفرانس «مزیت روزنامه‌نگاری ۲۰۱۶» در نیواورلئان بود که در ۱۸ سپتامبر گذشته برگزار شد. گریستن لاندبرگ، روزنامه‌نگار، استاد دانشگاه ونوسیفه مطالعات موردی بسیار (شامل یک مورد مطالعه روی «بوستون گلوب» که کمک کرد فیلم سروصدای زیادی به‌پا کند)، روی صحنه با بارون مصاحبه کرد. در ادامه، نسخه خلاصه‌شده آن جلسه پرسش‌وپاسخ می‌آید. سؤالات و جواب‌ها از نظر اندازه و وضوح ویرایش شده است.

❧ گریستن لاندبرگ: از خودم می‌پرسیدم که آیا می‌توانیم کمی درباره تجربه شما از آن مطلب روزنامه «گلوب» (ماجرای فساد اخلاقی در کلیساهای بوستون) از درون تحریریه شروع کنیم؛ به ما از زمانی که وارد روزنامه شدید بگویند و اینکه داستان چطور پیش رفت؟

من قبل از اینکه کارم را آنجا شروع کنم، روزنامه را می‌خواندم و سعی می‌کردم بفهمم چه مطالبی خوب است. اولین روز وارد جلسه شورای سردبیری صبح شدم و دور اتاق می‌گشتم. همان‌طور که توی فیلم سینمایی به تصویر کشیده شده است و هیچ‌کس به مطلب اشاره‌ای نکرد (مطلبی که به وسیله ستون‌نویس روزنامه «بوستون گلوب» درباره یک مورد قضائی مربوط به سراسقف‌نشین منطقه نوشته شده بود) و بنابراین من درباره آن سؤال کردم و پرسیدم که آیا در گذشته ما چیزی گیر نیابورده بودیم از یک طرف این قضیه که چیزی گفته باشد و از طرف دیگر قضیه که چیز متفاوتی گفته باشد. ما نتوانسته بودیم به حقیقت این امر دست پیدا کنیم؟

❧ از همان اول کار قصد داشتید این کار تبدیل به یک پروژه «اسپات‌لایت» شود؟

قبل از اینکه من وارد «بوستون گلوب» شوم نمی‌دانستم که آنجا یک تیم «اسپات‌لایت» هست. وقتی که وارد روزنامه شدم از آن اطلاع پیدا کردم. من فکر نمی‌کردم این تیم یک تیم روزنامه‌نگاری تحقیقی در قالب «اسپات‌لایت» باشد. من فقط فکر می‌کردم ما باید این داستان را دنبال کنیم. من وقتی این سؤزه را مطرح کردم، دیران آنجا گفتند که ما باید تیم «اسپات‌لایت» را درگیر این موضوع کنیم.

❧ شما می‌توانید درباره معدود انواع مهارت‌هایی برای روزنامه‌نگاری تحقیقی صحبت کنید که همیشگی و همیشه‌لازم هستند، ولی برخی از این

نگاهی به گزارش‌های تحقیقی برنده پولیتزر در ۹ سال اخیر

پلیس‌ها و پزشکان زیر ذره‌بین

جاسوسی می‌کرده است. انتشار این گزارش باعث یک تحقیق فدرال دراین‌باره شد و بحث‌های زیادی پیش آمد که رصدکردن امنیتی تا چه حدی باید انجام شود.

سیاتل‌تایمز گزارش‌هایی نوشته بود درباره اینکه چطور تعداد معدودی از افراد در واشنگتن، به‌جای داروهای کنترل درد برای بیماران آسیب‌پذیر از داروی متادون استفاده می‌کرده‌اند که ارزان‌تر، اما خطرناک‌تر است. این گزارش باعث هشدارهای بهداشتی جدی در سطح ایالت شد.

❧ ۲۰۱۱: **ضعف در نظام بیمه املاک**

رسانه برنده: سارا سوتا هالد تربیین

بیمه املاک در ایالت فلوریدا برای صاحب‌خانه‌ها امری حیاتی است و روزنامه‌نگار سارا سوتا هالد تربیین گزارش‌هایی نوشته بود درباره اینکه این نظام بسیار ضعیف و مشکوک است. این گزارش‌ها موجب ارزیابی اعتبار شرکت‌های بیمه املاک و اعمال نظارت بر آنها شد.

❧ ۲۰۱۰: **فساد پلیس در مبارزه با مواد مخدر/ تلاش پزشکان در توفان کانرینا**

رسانه‌های برنده: فیلادلفیا دیلی نیوز/ پروپابلیکا با همکاری مجله نیویورک تایمز

در این سال نیز دو رسانه برای گزارش تحقیقی برنده شدند. فیلادلفیا دیلی نیوز گزارشی نوشته بود درباره یک یگان پلیس مبارزه با مواد مخدر که جرائم زیادی مرتکب

❧ ۲۰۱۴: **شانه‌خالی‌کردن از پرداخت مزایای معدن کاران مبتلا به ریه سیاه**

نهاد برنده: مرکز اتحاد عمومی

یکی از محققان «مرکز اتحاد عمومی» در واشنگتن روی این موضوع تحقیق کرده بود که چطور وکلا و پزشکان نظامی را سازماندهی کرده بودند که مزایای کارگران معدن‌های زغال‌سنگ که مبتلا به بیماری ریه سیاه شده بودند پرداخت نشود. در نهایت، این گزارش باعث شد قوانین اصلاحی دراین‌باره تصویب شود.

❧ ۲۰۱۳: **رشوه‌دادن شرکت وال‌مارت در مکزیک**

رسانه برنده: نیویورک تایمز

روزنامه‌نگاران نیویورک‌تایمز روی شرکت فروشگاه‌های زنجیره‌ای «وال‌مارت» متمرکز شده و دریافته بودند که این شرکت در مکزیک رشوه پرداخت کرده تا تسلط بر بازار را در این کشور در اختیار داشته باشد. انتشار این گزارش‌ها باعث شد «وال‌مارت» در فعالیت‌های خود تجدیدنظر کند.

❧ ۲۰۱۲: **جاسوسی اداره پلیس نیویورک از مسلمانان / استفاده بیمارستان‌ها از داروهای کنترل درد خطرناک**

رسانه برنده: آسوشیتدپرس / سیاتل تایمز

دو رسانه برنده جایزه شدند؛ آسوشیتدپرس روی این موضوع کار کرده بود که چطور اداره پلیس نیویورک از جوامع مسلمان این شهر به‌طور مخفیانه

جایزه پولیتزر یک جایزه معتبر در حوزه روزنامه‌نگاری است که سال‌هاست به بهترین کارهای روزنامه‌نگاران آمریکایی در شاخه‌های مختلف جایزه می‌دهد. با مرور جایز پولیتزر رشته روزنامه‌نگاری تحقیقی در سال‌های اخیر، می‌توان به خوبی دریافت که گزارش‌های عمیق، با جزئیات و جسارت زیاد، درباره موضوعات گاهی ملی و گاهی محلی، این جایزه را دریافت کرده‌اند. موضوعاتی مثل حقوق اقلیت‌ها و افراد آسیب‌پذیر، فساد در نیروهای پلیس و نیز نظام بهداشتی آمریکا، نقاط تمرکز این روزنامه‌نگاران تحقیقی بوده است.

❧ ۲۰۱۶: **خشونت و بی‌اعتنایی در بیمارستان‌های روانی فلوریدا**

رسانه‌های برنده: تانیا پی تایمز- سارا سوتا هالد تربیین هر سال دادگاه‌های ایالت فلوریدا بیماران روانی را به بیمارستان‌های دولتی در این ایالت می‌فرستند. دو رسانه خبری با همکاری یکدیگر، ۱۸ ماه روی هزاران پرونده کار کردند تا از قصور مقامات رسمی در این ایالت در خشونت و بی‌اعتنایی در بیمارستان‌های روانی فلوریدا پرده برداشتنند.

❧ ۲۰۱۵: **لای‌های کنگره و قوه قضائیه/ استفاده از داده‌های محرمانه بیماران**

رسانه‌های برنده: نیویورک تایمز/ وال استریت ژورنال

در سال ۲۰۱۵، دو رسانه به‌طور مشترک برنده شدند. نیویورک‌تایمز روی لای‌های حرفه‌ای کار کرده بود که روی نمایندگان کنگره و دادستان‌های کل تأثیر می‌گذاشتند و منافع را بیش می‌بردند. وال استریت‌ژورنال نیز روی سو-استفاده از اطلاعات پزشکی محرمانه بیماران از سوی بیمارستان‌ها و پزشکان و شرکت‌های بیمه‌ای کار کرده بود.